

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۶ سپتمبر ۲۰۰۸

درود و تحیات به روان پاک شهیدان راه استقلال

چرا هفته گرامیداشت از شهداء به تقریب سالروز قتل

"جنگسالار مسعود" برگزار میگردد؟؟؟

قوای اشغالگر قتل عام قریه "عزیز آباد" ولسوالی "شیندند" ولایت هرات را هنوز هم، خفیف و دست کم جلوه میدهند و از اقرار تعداد واقعی قربانیان ملکی - که اکثریتشان را اطفال و زنان معصوم تشکیل میدادند - سر باز میزنند؛ و چنین است رسم و روش جهانخواران. جهانخواران هیچگاه حقایق را بر زبان نمی آرند، تا خشم خلق ها را برنیاغیزند. در جنگ ویتنام و جنگ اول عراق چنین کردند، در جنگ دوم عراق چنین نمودند و مینمایند. و در مورد افغانستان نیز قضیه غیر از این نیست.

در حالی که تمام شواهد و شاهدان عینی از شهید شدن بیشتر از ۹۰ نفر ملکی حکایت میکنند و در حالیکه گورهای قربانیان، پشت سرهم قطار گشته و همه حاکی از جنایتی هولناک دارند، قوای اشغالگر بر جنایت آشکارا، غیر قابل کتمان و انکارناشدنی خود، بیشرمانه پرده ساتیر کشیده و تعداد تلفات را کمتر از عشر عشر عشیر آنچه بوده و کرده اند، جلوه میدهند، و چنین است رسم جهانخواران جفاکار!!!!



بیرمردی حین اتحاف دعاء به روان شهیدی از "عزیزآباد"

در مورد "هفته شهداء" :

حکومت پوشالی افغانستان که هیچ کارش به کار "اولاد آدم" - و در هر صورت کار "انسانان وارسته و آزاده" - نیماند، بنا بر تصمیم "لویه جرگه فرمایشی"، نه تنها به یک فرد خائن لقب "قهرمان ملی افغانستان" را بخشید، بلکه روز قتل این تفنگسالار لچر (۱) و جنگره (۲) مشهور را "تعطیل عمومی" نیز ساخت، عیناً بمانندی که روزهای "مولود شریف" و "دهم محرم" یا "عاشورای حسینی"، "رخستی عمومی" میباشند. این حکومت به منظور اینکه برای خود "بینی خمیری" درست بکند، به تقریب روز قتل مسعود، هفته ای را برای تجلیل از "شهادی راه آزادی وطن"، تخصیص داده است. هموطن ارجمند خوب دقت بفرمائید که "هفته شهداء" با "روز قتل" جنگسالار مسعود پیوند میخورد، گویی اگر قوماندان مسعود به تحت السقر نمیرفت و "آتش کور" اسفل السافلین، نمی گشت، برای "شهادی استقلال افغانستان" کسی روزی را و هفته ای را تخصیص نمیداد و بر روان پاک و روح پرفروش ایشان درودی و تحیتی نمی فرستاد!!!

به مناسبت هفتمین سالروز قتل جنگسالار مسعود، جنگسالاران و اورگانهای حکومت دست نشانده داد سخن داده و به مانند وبسایتهای اجیر انترنتی و جرائد و میدیای آلوده، با دنانتی بی مانند و با بی حیائی در حد "چشم پارگی"، از آن جنایتسالار معروف، "بت" و "معبود" و "مرجع سجود" ساختند، بی خبر از اینکه "تاریخ"، "بت شکن" است و حکم خود را در مورد این "بت برنجی" هم از قبل صادر کرده است. "بت شکن" تاریخ، به گرز گران و کویال ضرورت ندارد، تا بمانند ابراهیم خلیل و محمود غزنوی، بتکده مکه و سومنات را از بنیاد براندازد. "بتشکن تاریخ" حکم خود را بر دم شمشیر بُران واقعیات و حقایق انکار ناپذیر نهاده، که پرده اوهم را میبرد. استحکام و استواری مدارک متقن تاریخی در حدیست، که هر مغز سلیم و با انصاف و هر فکر بصیر و با معرفت را قانع و مطمئن میگرداند؛ و چه باک است اگر درین میانه، دل و دیده عده ای کجمزاج و دروغباف از پذیرفتنش طفره بروند؟؟؟؟ "کج مزاجان" و "دروغباغان" از هر قماش، به مناسبت قتل آن "زمرده فروش مشهور" و آن "دلالت منافع میهن"، سخنها گفتند و نوشتند، و هرچه گفتند و نوشتند، چرند بود و از جنس "زخرفه" و "سفسطه" و در آخرین تحلیل، در خور "یک شکم" خنده و جهانی افسوس!!!! رد پای "کجروان و خیالبافان" را رها کنیم، که ایشان به مانند معبود ملعونشان، مطرود و محکوم تاریخ اند!!!!

مقامات حکومت دست نشانده، نهم سپتمبر ۲۰۰۸ را در سراسر وطن به یاد بود از قتل جنگسالار مسعود سبیری کرده و از خیرات سر "بزک چینی پنجشیر"، از هزاران قهرمان گمنام محاذ آزادی و هزاران شهید پاک راه استقلال نیز، یادی کردند.

یکهزار و چارصد سال پیش جگرگوشه پیامبر اسلام، امام حسین، را شهید ساختند و مسلمانان معتقد، لقب "سیدالشهداء" را برای آن حضرت گزیدند. حالا بعد از سیر چارده قرن، "سیدالشهدای ثانی" تراشیده شد و کس ندانست، که چطور ممکن است، یک انسان مشکوک را که تمام زندگانش در "جنگ قدرت" و در تبنای با دشمنان خونخواره وطن گذشت، بتوان مرتبتی در حد "امام حسین" بخشید.

جرائد و صفحات انترنتی مزدور، طوری که در بالا تذکر رفت، در حدی که اصلاً انتظارش نمیرفت، به مداحی و مدهانه و چاپلوسی دست یازیدند و از آن جنگسالار تردامن و بزهارکار، بتی تراشیدند، بالاتر از مقام خداوند عالمیان؛ "العیاذ بالله!!!!!!"

در پهلوی گزافه روی و گزافه گوئی های اغراق آمیز و تهوع آور مقامات دولتی و مطبوعات سرسپرده در مورد قوماندان مسعود، اما بودند قلم های حقنویس و جرائد و نشریات فراوانی - حتی در داخل افغانستان - که از گفتن حقایق و برملا ساختن واقعیتها نهراسیدند. مثلاً جریده "در راه صلح" در زمینه چنین داد سخن داد :

« سالگرد مرگ احمد شاه مسعود - زندگی مسعود و گلبدین چه تاثیر مثبت در افغانستان داشته؟

۰۹،۰۹،۲۰۰۸ در راه صلح

دو راکت زن تخریبگر، دو نوکر خارجی، دو نفر یکی با روسها ساخته بود دیگری با پاکستان. از سالگرد مرگ مخربین و جنایتکارانی که افغانستان را ویران کردند، جشن میگیریم! باز هم یکبار دیگر بقایای جهادی و جنایتکاران جنگی دست به دست هم داده و سالگره ششمین سال مرگ شیر پنجشیر احمد شاه را جشن میگیرند. بلی مسعود برای این جنایتکاران و متخلفین حقوق بشر، برای این تخریبگران و متجاوزین ناموس افغانستان، موهبت الهی بود که ایشان را از پائین ترین قشر جامعه افغانی با چور و چپاول، چال و فریب و ساخته کاری ها با خارجی و داخلی، آنها را به پول و دولت رسانید.

امروز می بینیم که افغانستان باز هم در ساحه چور و چپاول اشخاص قرار داشته و باز هم انحطاط دیگری در تاریخ افغانستان بعد از مرگ مسعود توسط دست نشانده های او و غیره نوکران خارجی به وقوع پیوست.

جالب است که دوران سازش مسعود را با دشمنان افغانستان در آن زمان که روسها بودند امروز بنام دوران مقاومت می نامند. کدام مقاومت؟ حفظ تونل سالنگ برای ترانزیت قوای روسی را می توان مقاومت خواند؟ معاش گرفتن از روسها و زندگی کردن در خاک روسیه (کولاب تاجکستان) را می توان مقاومت خواند؟ مسعود و همکارش گلبدین که بعداً با دشمنی شخصی خود، افغانستان را تخریب کردند باید محاکمه شده و حق مردم بیگناه افغانستان از ایشان گرفته شود. این دزدان و متجاوزین ناموس افغانستان معامله گرانی بودند و هستند که در تاریخ تابناک آزادی خواهی افغانستان، جا نداشته بلکه در "زباله دان تاریخ" مقیم می باشند.

گرامیداشت مسعود، گرامیداشت گلبدین و غیره همکاران وی میباشد. امروز فامیل مسعود و همکاران دزد رهن وی شرافت افغانستان را زیر پا گذاشته در حال دزدی ثروتهای ملی بوده و هستند یکبار دیگر با خارجی ها پیوسته و معاش خوران متجاوزین در افغانستان هستند. کسانی که از مسعود تعریف میکنند خود از همان نوع و قماش بوده، دشمن افغانستان و ملت افغان میباشند و شجاعت "راست گفتن" را ندارند. **مرگ بر دشمنان افغانستان و دزدان تاریخی شرافت ملت افغان.**» (ختم نقل قول)

سؤال بزرگ درینجاست که :

اگر قرار می بود که "هفته شهیدای جهاد افغانستان" برگزار گردد - که باید و حتماً و هرو مرو هم برگزار گردد و میگردید - ، چرا آن را به تقریب روز قتل جنگ سالار مشهور بیاعازند؟؟؟؟؟ به تقریب قتل کسی که با روسها بساخت، تا عمر ننگین اشغال وطن را بدست قوای اشغالگر شوروی ملعون، چند صباحی دراز تر بسازد. به تقریب قتل کسی که از شرق و غرب ، طعمه گرفت و در خدمت هردو درآمد، تا امیال شوم و شیطانی خود را جامه عمل بپوشاند. به مناسبت قتل کسی که شاطر هر شیطان گردید و در خدمت هندو و مسلمان و یهود و گبر و ترسا درآمد، تا هدف غائی باداران خود - مبنی بر "اضمحلال و زمینگیر کردن و بالآخره آماده ساختن زمینه تجزیه افغانستان" - را در عمل پیاده نماید.

متأسفانه می بینیم که مرده مسعود نه تنها بر شانه ها و مغزهای بسا زندگان ما سوار است، بلکه این "مرده مقهور دربار رب" حتی سرنوشت کشتگان و شهداء و جانبازان راه آزادی وطن را نیز رقم میزند. آری هموطن دردمند؛ مرده قوماندان مسعود تعیین می کند که به پایواز و از برکت سالروز قتل آن جنگسالار، روز و هفته ای بنام "روز شهید" و "هفته شهداء" در افغانستان برگزار گردد. یعنی اگر او را نمی کشتند و به جهنم نمی فرستادند، "روز و هفته شهداء" هم تجلیل نمی گردید!!!!!! وای بر ملتی که فرهنگ و ارزشهای والای معنوی آن ، تا این حد در گودال امیال تبهکاران بغلند و آلوده گردد!!!!!!

وقتی این نوشته را به پایان میرساندم، مقاله واقعبینانه، دلسوزانه و کوبنده نویسنده ملی و مبارز نستوه افغان، جناب داکتر میر عبدالرحیم عزیز را که معنون است به "هدایات شیطانی حکومت مستعمراتی کابل" ، در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" خواندم، که از سیاست "یک بام و دو هوا"ی دولت کابل پرده برمیدارد. چون تبصره بر این موضوع، از طاقت این مضمون فراتر میرود، لامحاله آنرا محول می سازم به مقاله جداگانه. (پایان)

توضیحات :

۱ - "اچر" (به فتح تین) ، بر وزن "اثر" و "خطر" و "تبر" اصطلاح عامیانه کابلست و به کسی اطلاق گردد، که بر هر کسی بانگ برآورد و چیغ بزند و کسی بدین سبب با وی طرف نگیرد. فرهنگ مرحوم عبدالله افغانی نویس ، این کلمه را در معنای "آدم شطاح و بی حیاء" قید کرده است.

۲ - کلمه "جنگره" بر وزن "گندنه" و "دغدغه" و "مزمزه" و "وسوسه" و "زندقه"، اصطلاح عامیانه دری کابلیان است و به کسی گفته شود، که عادت به جنگ کرده و خوش دارد با هر کسی بجنگد. چشمان مردم کابل را صدقه، که از قبل چنین ترکیب با مسما را برای "جنگ سالار فقید"، درست کرده اند، جنگسالاری که به خاطر تثبیت یکه تازانه قدرت، با همه بجنگید؛ با گلبدین "سلاخ" بجنگید، با دوستم "گلم جم" بجنگید با بابه مزاری "میخکوب" بجنگید و یگانه کسی که با وی بجنگید ، وجود "ذیجود" خود جناب جنگسالار بود. و از کجا معلوم که با "خود" نیز پیوسته در جنگ بوده و خلق خدا نمیدانسته است؟؟؟

ترکیب "جنگره" افراط در عمل و به اصطلاح گرامری، مفهوم "صیغه مبالغه" را اداء میکند. بعضاً در عوض "جنگره" ترکیب معادلش یعنی "جنگروک" را نیز استعمال نمایند. زبان عوام بعضاً دستگاه خاص دستوری خود

را دارد، که با گرامر معیاری و صرف و نحو زبان ادبی دمساز نیست. مثلاً در همین سیاق "صیغه مبالغه" ، ترکیبات ذیل را ساخته و پیوسته بکار میبرد :

- "زردنیوک" یعنی کسی که همیشه رنگش "بیمارگونه" زرد باشد، به مانند جناب "ملا ربانی".

- گریانوک" به کسی گویند، که پیوسته و سر هر چیز بگرید، نظیر جناب "حامد کرزی".

- "لافوک" آنست که همیشه بلافد و بیشرمانه بلافد، مانند دلگی صاحب مشر "قسیم خان فهیم" و عبدالرب رسول سیاف، که یکی خود را "سرخیل میدان" و "فیل مارشال" و "سپهسالار" نامیده و آندگری فرمود که : « **این میدان (جنگ افغانستان) را تا مجاهد نزنند، (فتح نکند) پدر کس زده نمی تواند.** » و حیف لغت مبارک و شاندار "مجاهد" که در دهن متعفی نظیر دهان "سیاف خان" می افتد.

- "خوردنوک" به حیوان و انسانی گفته شود، که همه را و هر چه را بخورد، مانند "سگهای خوردنوک"؛ و یا "آدمهای خوردنوک"ی که در صدر قدرت دولتی افغانستان نشسته اند و همه دار و ندار یک ملت مظلوم ، بیچاره و سر برهنه و پای ترفیده را می بلعند و آروغی هم نمی زنند.

- "ترسندوک" کسیست که بسیار بترسد و حتی از سایه خود نیز بترسد، چنانکه ترسندوک معروف - یونس قانونی - در برابر سخنان گزنده داکتر رمضان بشر دوست، چنان به ترس و لرز فتید، که از قوای منیتی "ولسی جرگه" خواست، تا آن وکیل حقگوی ملت را با روشی "غیرقانونی"، از صحنه شورا بیرون بکشند.